درس ۲۱

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **دوم تسالونیکیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم تسالونیکیان ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۷: ۳۸

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **تدفین مسیحی**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با تدفین مسیحی است. در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس در رابطه با مرگ، حیات پس از مرگ، مراسم دفن و قیامت مردگان چه تعلیمی می‌دهد.

الف - ماهیت مرگ جسمانی

مقدمه: مردم درمورد ماهیت مرگ جسمانی دیدگاههای مختلفی دارند.
۱) برخی از مردم مرگ را واقعه‌ای طبیعی برای انسان می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا و ابدی بودن روح انسان ایمان ندارند و فکر می‌کنند مرگ فقط یک واقعه غیرقابل توضیح یا بسادگی پایان حیات انسان است. مرگ در نظر این افراد لزوماً واقعه‌ای هولناك و مهیب نیست.
۲) برخی دیگر مرگ را واقعه‌ای غیرطبیعی می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا ایمان دارند و معتقدند که انسانها را خدا خلق کرده است. ولی در مورد ماهیت بشر در زمان خلقت دارای عقاید مختلفی هستند و به همین جهت در مورد ماهیت مرگ نیز دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی فانی خلق شد. این عده می‌گویند که انسان از آنجا که مرتکب گناه شد، نتوانست به درجه والای غیرفانی ارتقا یابد. مرگ جسمانی نوعی تداوم وضعیت فانی بشر است که از همان ابتدا دچار آن شد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی غیرفانی خلق شده بود، ولی وقتی مرتکب گناه شد، امکان نامیرایی و جاودانگی را از دست داد، و مرگ جسمانی مجازات نااطاعتی او است.

۱- ماهیت مرگ.

الف) خدا انسان را موجودی جاودانه و غیرفانی خلق کرد.
بخوانید: پیدایش ۱: ۲۷؛ جامعه ۳: ۱۱؛ پیدایش ۲: ۱۵- ۱۷.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، انسان پس از خلقت و قبل از آنکه مرتکب گناه شود، دارای چه ماهیتی بود؟
ملاحظات: خدا اولین انسانها یعنی آدم و حوا را موجوداتی فانی خلق نکرد، بلکه آنها به شباهت خدا خلق شده بودند و در این خلقت کامل، فنا و تباهی جایی نداشت. خدا بهنگام آفریدن آنها، جاودانگی و ابدیت را در قلوب‌شان قرار داده بود. هم بدنها و هم روحهای آنها نامیرا و غیرفانی خلق شده بود.

ب) مرگ جسمانی مجازات خدا برای گناه است.
بخوانید: پیدایش ۳: ۱۷- ۱۹؛ یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹؛ متی ۱۰: ۲۸؛ ۲۵: ۴۶؛ مکاشفه ۲۱: ۸.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، انسان پس از سقوط در گناه چگونه ماهیتی پیدا کرد؟
ملاحظات: پس از سقوط انسانها در گناه، بدنهای آنها فانی شد. بدنهای آنها پس از مرگ، فاسد شده به خاك باز می‌گردد. ولی اگر چه بدن آنها می‌میرد، جان‌شان از بین نمی‌رود. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای تمام مردم، خدا بدن و جانهای بی‌ایمانان و مردم شریر را در جهنم از بین می‌برد. کلمه نابودی در اینجا به معنای عدم یا نیست شدن بدن و جانهای شریران نیست، زیرا نابودی آنها در جهنم مجازاتی ابدی خوانده شده است. بنابراین بر طبق کتاب‌مقدس، مرگ جسمانی مجازات خدا است بخاطر نااطاعتی مردم از او.

پ) مرگ جسمانی واقعه‌ای طبیعی نیست.
بخوانید: مزمور ۹۰: ۷- ۱۱؛ رومیان ۱: ۳۲؛ ۵: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: آیا مرگ در این آیات به عنوان واقعه‌ای طبیعی توصیف شده است یا به عنوان یك مجازات؟
ملاحظات: در کتاب‌مقدس، مرگ واقعه‌ای طبیعی برای انسان خوانده نشده است، بلکه جلوه‌ای است از خشم الهی (مزمور ۹۰: ۷- ۱۱)، داوری خدا (رومیان ۱: ۳۲)، یك محکومیت (رومیان ۵: ۱۶) و بلا و مصیبت (غلاطیان ۳: ۱۳).

ت) مرگ جسمانی انسانها بنا به دلیلی موجه به تأخیر افکنده شده است.
بخوانید: پیدایش ۲: ۱۷؛ اعمال ۱۴: ۱۵- ۱۷؛ رومیان ۳: ۲۵- ۲۶؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ دوم پطرس ۳: ۷- ۹.
کشف و گفتگو کنید: چرا خدا انسان را بلافاصله پس از آنکه در گناه سقوط کرد، دچار مرگ جسمانی نکرد؟
ملاحظات: اگر خدا صرفاً خدایی عادل بود ولی نه خدای محبت، به احتمال زیاد انسان را بلافاصله پس از سقوط در گناه می‌کشت. ولی او از آنجا که در عین عادل بودن، خدای رحیم و فیاضی نیز هست، نسبت به مخلوقات خود صبور است. او بواسطه فیض همگانی خود نسبت به مخلوقاتش، پیوسته عملکرد گناه و مرگ را در این جهان مهار کرده و می‌کنند. او نمی‌خواهد مردم هلاك شوند، بلکه مایل است آنها توبه کنند. او مرگ را بواسطه فیضش به توسط عیسی مسیح نابود می‌کند و حیات و زندگی جاودان را به انسانها عطا می‌نماید. تمام کسانی که با ایمان پیغام انجیل را بپذیرند، در پیروزی عیسی بر مرگ جسمانی بدنهایشان و نابودی ابدی بدن و جانهایشان در جهنم سهیم خواهند شد.

خلاصه: مرگ جسمانی جزو طبیعتی که خدا در آغاز خلق کرد نبود، بلکه به عنوان مجازات گناه وارد خلقت خدا شد. از آن زمان به بعد، کسانی که خدا را نمی‌شناسند مرگ جسمانی را واقعه‌ای طبیعی پنداشته‌اند. ولی آنانی که به مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس ایمان دارند، می‌دانند که مرگ جسمانی واقعه‌ای غیرطبیعی است و مجازات خدا است بخاطر گناه.

۲- طبیعت انسان.

مقدمه: مردم در مورد طبیعت انسان دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی معتقدند که انسان متشکل از برخی عناصر فیزیکی و شیمیایی است و دارای جان نمی‌باشد. برخی دیگر معتقدند که انسان تنها دارای طبیعت فیزیکی نیست، بلکه بدن و جان نیز دارد. برخی بدن را پدیده‌ای جسمانی و جان را پدیده‌ای روحانی می‌دانند و می‌گویند جان انسان در بدن او محصور و زندانی است و در زمان مرگ بدن انسان، جان او از این زندان خلاصی می‌یابد. این عده، جان را عامل اصلی حیات انسان می‌پندارند و معتقدند که بدن جسمانی، ناپاك و شریر است. این دیدگاه در میان فرهنگهای قدیمی غرب (یونان) و شرق (هندوستان) متداول بوده است. ولی مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس از این دیدگاه حمایت نمی‌کند.

الف) جهان خلقت و بدنهای جسمانی ما هیچگاه پلید خوانده نشده‌اند.
کشف و گفتگو کنید: نظر کتاب‌مقدس درباره بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، چیست؟
بخوانید: رومیان ۸: ۱۹- ۲۲؛ یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹؛ اعمال ۳: ۲۱.
ملاحظات: مطابق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، هیچگاه شریر و بد محسوب نمی‌شود. هنگامی که انسان در گناه سقوط کرد، مرگ جسمانی وارد خلقت خدا شد. به همین جهت مردم، حیوانات، درختان، گیاهان و سایر مخلوقات همگی می‌میرند. ولی این حقیقت که بدنهای جسمانی انسانها می‌میرند و مخلوقات دیگر نیز روزی از بین می‌روند، بدین معنا نیست که خلقت فیزیکی خدا و بدنهای مردم بخودی خود پلید هستند. با سقوط بشر در گناه، تمام خلقت در معرض تباهی و فساد قرار گرفته است. در زمان بازگشت عیسی مسیح، بدنهای جسمانی مردم قیام خواهد کرد و تمام جهان فیزیکی احیا خواهد شد.

ب) انسان از جان و بدن تشکیل شده است.
بخوانید: مرقس ۱۲: ۳۰؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶- ۱۷؛ ۶: ۱۹- ۲۰؛ رومیان ۶: ۱۲- ۱۳، ۱۹؛ دوم پطرس ۳: ۱۰- ۱۴.
ملاحظات: و اما تا قبل از بازگشت مسیح، خدا می‌خواهد که تمام مسیحیان در بدنهای فانی کنونی خود، زندگی مقدس و خداپسندانه‌ای داشته باشند. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای مردم، بدنهای جسمانی آنها نیز غیرفانی خواهد شد. بنابراین

بر طبق کتاب‌مقدس، هم بدن و هم روح انسان دارای اهمیت زیادی است. انسان مطابق کلام خدا دارای جان و روح است. یك مسیحی در طول حیاتش بر روی زمین، نباید در فکر خود و در زندگی روزانه‌اش بین بدن و جان خود تمایز قائل شود. تا زمانی که انسان روی این زمین زیست می‌کند، جان و روحش از هم جدایی‌ناپذیرند. خدا مسیحیان را دعوت می‌کند تا او را توسط بدن و جانهای خود جلال دهند.

پ) اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ، از طریق جان یا روحش بیان می‌شود.
بخوانید: - پیدایش ۲: ۷؛ مزمور ۳۱: ۹؛ ۶۳: ۱؛ متی ۶: ۲۵- ۲۷؛ ۱۶: ۲۵- ۲۶؛ مکاشفه ۱۸: ۱۳ ؛ ایوب ۳۴: ۱۴- ۱۵؛ مزمور ۳۱: ۵؛ حزقیال ۳۶: ۲۶؛ لوقا ۸: ۵۵؛ لوقا ۲۳: ۴۶؛ رومیان ۸: ۱۰؛ اول قرنتیان ۷: ۳۴؛ دوم قرنتیان ۷: ۱؛ یعقوب ۲: ۲۶.
کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس اصل وجود حیات در انسان را تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب یکی از کلمات زیر بیان گشته است:
۱) کلمه "جان" (به زبان عبری: nefesh، و به زبان یونانی: psyche)، که به معنای "حیات" نیز ترجمه شده است.
۲) کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب‌مقدس از هر دو کلمه به منظور توصیف اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او، استفاده می‌کند.

ت) اصل حیات در انسان در دوران پس از مرگ، از طریق جان یا روح بیان می‌شود.
بخوانید: مکاشفه ۶: ۹؛ ۲۰: ۴؛ جامعه ۱۲: ۷؛ اشعیا ۲۶: ۱۴؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳.
کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس اصل حیات جدای از بدن را پس از مرگ جسمانی انسان در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: پس از مرگ جسمانی، حیات انسان جدای از بدنش توسط یکی از کلمات زیر بیان شده است:
کلمه "جان" (به زبان یونانی: psyche) یا کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب‌مقدس از هر دو کلمه جهت توصیف موجودیت و حیات انسان پس از مرگ جسمانی او استفاده می‌کند.

۳- سرنوشت انسان پس از مرگ.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ انسان چه اتفاقی برای بدن و جانش می‌افتد؟ بدن و روح یا جان انسان پس از مرگ به کجا می‌روند؟ آیا پس از مرگ، جانها یا روحهای مردم همه به یك مکان واحد می‌روند؟

الف) موجودیت انسان جدای از بدنش، موجودیتی ابدی است.
بخوانید: جامعه ۳: ۱۱.
ملاحظات: کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که روح یا جان انسان ابدی است، ولی بدن جسمانی کنونی او موقتی و فانی می‌باشد.

ب) پس از مرگ، بدنهای تمام مردم به خاك بازمی‌گردد.
بخوانید: پیدایش ۲: ۷؛ ۳: ۱۹؛ جامعه ۹: ۱- ۱۲؛ اشعیا ۶۳: ۱۶.
ملاحظات: بدن انسان از "خاك" روی زمین است. وقتی انسان می‌میرد، بدن او از روح یا جانش جدا می‌شود. بدنش به زمینی که از آن آمده باز می‌گردد و در قبر گذاشته می‌شود (یا تبدیل به خاکستر می‌شود). انسان از خاك سرشته شده است و به خاك نیز بازمی‌گردد. بر طبق جامعه فصل ۹، انسان بهنگام مرگ دیگر در هیچ یك از اموری که در زیر آفتاب بر روی زمین اتفاق می‌افتد، سهمی نخواهد داشت. انسان در حالت مرگ نمی‌تواند معلومات گردآوری کند و یا به کار و برنامه‌ریزی بپردازد. انسان در حالت مرگ دیگر نفوذی بر دنیای کنونی ندارد. مطابق اشعیا ۶۳: ۱۶، انسان در حالت مرگ از روابط خانوادگی خود آگاه نیست.

پ) روح یا جان یك شخص عادل در زمان مرگ بدن، به آسمان می‌رود.
بخوانید: جامعه ۱۲: ۷؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ مکاشفه ۶: ۹- ۱۱؛ ۲۱: ۹- ۱۰.
ملاحظات: هر چند بدن انسان پس از مرگ به خاك بازمی‌گردد، اما جان یا روح شخص ایماندار به نزد خدا در آسمان بازمی‌گردد. تنها روح یا جان مردم عادل یعنی مسیحیان، در آسمان خواهد بود. در عبرانیان فصل ۱۲، کلیسای مسیح در آسمان "اورشلیم جدید یا آسمانی" یا "شهر خدا" نامیده شده است. روح یا جان مسیحیان در آنجا کامل خواهد بود، حضور خدای تثلیث را تجربه خواهد کرد و در معیت فرشتگان بیشمار بسر خواهد برد. روح یا جان مسیحیانی که در زمان حیاتشان بر زمین رنج کشیده‌اند، در آسمان از آرامشی خاص برخوردار خواهد شد.

ت) روح یا جان شخص گناهکار در زمان مرگ به جهنم می‌رود.
بخوانید: لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱؛ مرقس ۹: ۴۲- ۴۸.
ملاحظات: روح یا جان مردمان گناهکار که غیرمسیحیان هستند به آسمان نمی‌رود، بلکه به مکان رنج و عذاب دائمی که جهنم نامیده می‌شود منتقل خواهد گردید.

خلاصه: مرگ جسمانی عبارت است از جدایی بدن از روح یا جان انسان.

۴- مرگ مسیحیان.

کشف و گفتگو کنید: اگر مسیح به جای مسیحیان رنج کشید و مرد، چرا آنها باید رنج بکشند و بمیرند؟

الف) مرگ جسمانی مسیحیان دیگر در حکم مجازات نیست.
بخوانید: مزمور ۱۱۶: ۱۵؛ رومیان ۶: ۲۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۶؛ رومیان ۳: ۲۳- ۲۶؛ ۵: ۶- ۱۰؛ عبرانیان ۹: ۲۴- ۲۶.
ملاحظات: برای غیرمسیحیان، مرگ مجازاتی است بخاطر گناهانشان (رومیان ۶: ۲۳). ولی برای مسیحیان، مرگ دیگر مجازات گناه نیست (مزمور ۱۱۶: ۱۵). مرگ جسمانی کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، دیگر در حکم مجازات گناهانشان نیست، زیرا قربانی کفاره‌ای مسیح بر صلیب، خشم عادلانه خدا را بخاطر گناهانشان فرونشانده است. مرگ مسیح، مجازات عادلانه خدا به خاطر گناهان ایمانداران را کفاره داده است. بنابراین ایمانداران بطور قطع عادل گشته‌اند یا به مفهوم دیگر، گناهانشان بخشیده شده است و مرگ جسمانی آنها، دیگر مجازاتی برای گناهانشان محسوب نمی‌شود.

ب) مرگ جسمانی مسیحیان وسیله خدا است جهت تقدیس آنها.
بخوانید: مزمور ۴۹: ۵- ۱۰، ۱۵- ۱۷؛ ۸۹: ۴۷- ۴۸؛ امثال ۱۴: ۱۲، ۲۷؛ ۲۱: ۲۵؛ رومیان ۱: ۲۸- ۳۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵- ۱۷؛ رومیان ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۴: ۷- ۱۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۵: ۷- ۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۲- ۱۴.
ملاحظات: رنجها و مرگ جسمانی مسیحیان، وسیله‌ای است که خدا از این طریق آنان را تقدیس می‌سازد. اگرچه عیسی مسیح هیچوقت گناه نکرد، اما بی‌تردید با تمام وسوسه‌ها و رنجهای زمینی مواجه شد. رنجها و جفاهایی که عیسی مسیح با آنها مواجه شد، وسیله‌ای بود برای کامل کردن طبیعت ضعیف انسانی او. به همین ترتیب، مسیحیان نیز با اینکه مرتکب گناه می‌شوند، رنجها و سختیهای مختلف آنها را فروتن می‌سازد و آنان را در برابر شهوات جسمانی و امور دنیوی مقاوم ساخته، افکار روحانی را در آنها تقویت می‌کند. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که هدف از رنجهای مسیحیان بر روی زمین این است که زندگی جدید و مقدس عیسی مسیح در بدنهای آنها در زمان حاضر، و به طور دائمی در آسمان، آشکار شود.

پ) مرگ جسمانی مسیحیان، اوج تقدیس آنها و آغازگر زندگی کامل آنان است.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۵۰؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷.
ملاحظات: مرگ جسمانی پایان تمام رنج و سختیهایی است که مسیحیان با آن مواجه شده‌اند. اول قرنتیان ۱۵: ۵۰ می‌فرماید: "جسم و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود، و آنچه فساد پذیر است، وارث فساد ناپذیری نمی‌تواند شد."
بدنهای فعلی مسیحیان هنوز در معرض طبیعت گناهکار، ضعف و ناتوانی و مرگ قرار دارد. این بدنها نمی‌توانند وارث ملکوت خدا شوند. به عبارت دیگر، نمی‌توانند وارد آسمان شوند. به همین دلیل است که بدنهای فعلی مسیحیان باید بمیرد و تبدیل شود. درست همانگونه که مسیح از طریق رنجهای زمینی و مرگ جسمانی وارد جلال خود شد، مسیحیان نیز تنها از طریق سختیها و مرگ جسمانی وارد حضور ابدی خدا می‌شوند. مرگ جسمانی، روند تقدیس جانها یا روحهای آنها را به کمال می‌رساند و آنها به انسانهایی عادل با روحهایی تکامل یافته مبدل می‌گردند. مرگ جسمانی به حیات مسیحیان خاتمه نمی‌دهد، بلکه آغاز حیات کامل آنها است: نخست در آسمان و بعد در زمین جدید.

ت) برای مسیحیان، امید قیامت ایشان جای ترس از مرگ جسمانی را گرفته است.
بخوانید: اعمال ۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۴- ۱۵
ملاحظات: رنجهای زمینی و مرگ جسمانی که مسیحیان با آنها مواجه می‌شوند، دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان. مسیح با مرگ و قیامش از مردگان، از عذاب مرگ خلاصی یافت و مسیحیان را نیز از اسارت ترس از مرگ خلاصی داده است، بطوریکه آنان به جای ترس از مرگ، حال به قیامت بدنهایشان امید دارند. این امید پویا بخشی از مرحله تقدیس شدن مسیحیان است.

ب - پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟

۱- وضعیت مسیحیان و غیرمسیحیان در مرحله بین مرگ و قیامت.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ، جانهای گناهکاران و عادلان به کجا می‌روند؟

الف) جان شخص گناهکار پس از مرگ جسمانی به جهنم می‌رود.
بخوانید: متی ۲۵: ۴۶؛ لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۳؛ دوم پطرس ۲: ۴- ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶- ۱۰.

ملاحظات: کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که وقتی شخصی گناهکار یا کسی که توسط عیسی مسیح عادل نشده است می‌میرد، جان یا روح او از بدنش جدا می‌شود و بلافاصله وارد جهنم خواهد شد. لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۳ تعلیم می‌دهد که شخص گناهکار پس از مرگ بلافاصله به جهنم که مکان عذاب و رنج دائمی است می‌رود. پطرس رسول نیز تعلیم می‌دهد که گناهکاران پس از مرگ تا زمان داوری نهایی کماکان مجازات خواهند شد. هم عیسی و هم پولس رسول تعلیم می‌دهند که در روز داوری، مردم گناهکار وارد مجازات ابدی شده، از حضور خداوند دور می‌شوند.

ب) جان شخص عادل پس از مرگ جسمانی به بهشت می‌رود.
بخوانید: لوقا ۲۳: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۱- ۲۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ رومیان ۸: ۳۵- ۳۹.
ملاحظات: در زمان مرگ یك شخص عادل، یا شخصی که توسط عیسی مسیح عادل شمرده شده است، جان یا روح او از بدنش جدا شده، وارد حضور عیسی مسیح می‌شود. در لوقا ۱۶: ۲۲ می‌خوانیم که پس از مرگ شخص فقیری که در نظر خدا عادل محسوب می‌شد، فرشتگان بلافاصله او را به آغوش ابراهیم بردند. در لوقا ۲۳: ۴۳ نیز می‌خوانیم که عیسی به دزد توبه‌کار می‌گوید که پس از مرگ بلافاصله وارد فردوس خواهد شد تا با او باشد. ۲ قرنتیان ۵: ۸ تعلیم می‌دهد: "غربت مسیحیان از بدنشان" به معنای "منزل گرفتن در نزد خداوند" است. فیلیپیان ۱: ۲۱- ۲۳ تعلیم می‌دهد: "رحلت از این جهان" به مفهوم "بودن با مسیح" است. در عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴ نیز بودن یا حضور یك فرد ایماندار در آسمان به طرق زیر توصیف شده است:
"رفتن به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته"؛ "رفتن به کلیسای نخستزادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است"؛ "رفتن به حضور خدایی که داور همه آدمیان است"؛ "رفتن نزد عیسی که بانی عهدی جدید است"؛.. و "رفتن به نزد جانهای عادلان".
و سرانجام رومیان ۸: ۳۵- ۳۹ تعلیم می‌دهد که مرگ جسمانی هیچ وقت نمی‌تواند یك فرد مسیحی را از خدا و محبت او جدا سازد.

۲- وضعیت جانهای مسیحیان در آسمان.

کشف و گفتگو کنید: روح مسیحیان در آسمان به چه کاری مشغول خواهد بود و چه چیزی را تجربه خواهد کرد؟
ملاحظات: در مرحله بین مرگ و قیام مسیحیان، بدنهای آنها در قبر خواهد بود، اما جان یا روح‌شان در آسمان بسر خواهد برد. روح یا جان آنها کاملاً در آسمان فعال و هوشیار خواهد بود.
الف) دیدن.
بخوانید: یوحنا ۱۴: ۱- ۴؛ ۱۷: ۲۴. وقتی مسیحیان از نظر جسمانی می‌میرند، جانهای آنها در حضور مسیح خواهد بود و جلال او را خواهند دید. به عبارت دیگر، محبت و رحمت، قدوسیت، عدالت، مهربانی، حکمت و سایر خصوصیات خدا را تجربه خواهند کرد.
ب) استراحت یا آرام گرفتن.
بخوانید: عبرانیان ۴: ۹- ۱۱؛ مکاشفه ۷: ۱۶- ۱۷؛ ۱۴: ۱۳. جانهای ایمانداران از زحمات، مشکلات، نگرانیها، بیماریها، دردها، رنجها، ترسها، گناهان و غمهایی که در طول زندگی بر این زمین تجربه کرده‌اند، آرامی خواهد یافت و آنان دیگر هیچ وقت رنج نخواهند کشید.
پ) شناختن.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ۹- ۱۲. معرفت جزئی آنها جای خود را به معرفتی کامل خواهد داد و آنها همه چیز را بطور کامل خواهند دانست.
ت) کمال شادی.
بخوانید: مزمور ۱۶: ۱۱. آنها در حضور خدا از شادی لبریز خواهند شد و لذتی ابدی را تجربه خواهند کرد.
ث) سراییدن.
بخوانید: مکاشفه ۴: ۹-۱۱؛ ۵: ۱۱- ۱۴. آنها سرودهایی تازه برای خداوند خواهند سرایید و خدا را پرستش خواهند کرد.
ج) خدمت.
بخوانید: مکاشفه ۷: ۹- ۱۵. مسیحیان در آسمان شبانه‌روز خدا را خدمت خواهند کرد، و درست مثل فرشتگان که بدنهای جسمانی ندارند، آنان نیز به طرق گوناگون خدا را خدمت خواهند کرد.
چ) حاکمیت.
بخوانید: مزمور ۲: ۸- ۹؛ مکاشفه ۲: ۲۶- ۲۷؛ ۳: ۲۱. مسیحیان از آنجا که با مسیح در آسمان هستند، مانند او بر تخت خدا خواهند نشست و در پیروزی و غلبه او بر گناه و شیطان و تمام دشمنان انسانی، شریك خواهند بود. خداوند با استفاده از زبان مجازی، نابودی کامل تمام کسانی را که با او مخالفت می‌کنند به تصویر می‌کشد. مسیحیان هم اینك حتی قبل از بازگشت مسیح، در پیروزی او در آسمان شریك هستند. آنان بهنگام بازگشت مسیح، برای داوری زندگان و مردگان با او به زمین بازخواهند گشت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴؛ متی ۲۵: ۳۱- ۳۲) و در پیروزی نهایی مسیح بر تمامی بدکاران روی زمین، با او شریك خواهند بود (متی ۱۳: ۴۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۵- ۱۶). همچنین آنها در جلال ابدی او سهم خواهند داشت. کسانی که دشمن مسیح و مسیحیان بوده‌اند، تا به ابد مغلوب خواهند شد و دیگر هیچگاه قد علم نخواهند کرد. پس از بازگشت مسیح، در آسمان و زمین جدید، "دوازده" رسول نیز بر "دوازده تخت خواهند نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهند کرد" (متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸- ۳۰). این دو قسمت از کتاب‌مقدس به شکل نهایی ملکوت خدا اشاره می‌کنند. منظور از داوری کردن، حاکمیت یا

درخشیدن بر چیزی است (دانیال ۱۲: ۳؛ متی ۱۳: ۴۳). دوازده قبیله اسرائیل اصطلاحی است در مورد اسرائیل جدید و احیا شده، و منظور از آن یا آندسته برگزیدگانی است که از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان از میان دوازده قبیله اسرائیل جمع شده‌اند (رومیان ۱۱: ۲۶)، و یا به تمام برگزیدگان از میان ملل یهود و غیریهود از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان اشاره دارد (غلاطیان ۶: ۱۶). در هر دو مورد، این اصطلاح به کسانی اشاره دارد که حیات تازه یافته‌اند، زیرا هیچ چیز پس از احیا و تازه شدن، بصورت ناپاك وارد ملکوت خدا به شکل نهایی آن نخواهد شد (مکاشفه ۲۱: ۲۷).
کتاب‌مقدس در مورد تجارب و فعالیتهای مسیحیان در آسمان، مطالب خاص دیگری بیان نمی‌کند.

۳- وضعیت بدنهای مسیحیان بهنگام قیامت مردگان.

کشف و گفتگو کنید: چه اتفاقی برای مسیحیان پس از قیامت بدنهایشان رخ می‌دهد؟

الف) بدنهای مبدل شده همچون بدن جلال یافته مسیح پس از قیامش از مردگان.
بخوانید: فیلیپیان ۳: ۲۰- ۲۱؛ رومیان ۴: ۱۷.
ملاحظات: در زمان قیامت، مسیحیان بدنی احیا شده دریافت خواهند کرد. خاکستر بدنهای مرده آنها تا زمان بازگشت مسیح در قبر باقی خواهد ماند یا در نقطه‌ای از زمین پخش خواهد بود. اما بهنگام بازگشت مسیح، این خاکستر قیام کرده، مبدل خواهد شد و به صورت بدن قیام کرده و پرجلال عیسی‌مسیح در خواهد آمد. فیلیپیان ۳: ۲۱ تعلیم می‌دهد که هر آنچه متعلق به بدنهای جسمانی قبلی مسیحیان است، مبدل می‌شود و بدنهای قیام کرده آنها به شکل بدن پرجلال مسیح در خواهد آمد.
مسیح که آنچه را دیدنی است از آنچه نادیدنی است خلق کرد (یوحنا ۱: ۳؛ عبرانیان ۱۱: ۳)، این قدرت را دارد که بدنهای جسمانی مسیحیان را برخیزاند و احیا کند تا به شباهت بدن قیام کرده او در آیند.

ب) بدنهای فساد ناپذیر، غیرفانی، پرجلال، قدرتمند و روحانی.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۳۵- ۴۴، ۵۳- ۵۴.
ملاحظات: پولس با استناد به سمبلهای کتاب‌مقدس، تعلیم می‌دهد که بدنهای ایمانداران در زمان مرگ مانند گندمی که در زمین کاشته می‌شود، به داخل زمین می‌رود و سرانجام از آن حیاتی جدید و پرجلال ظاهر می‌شود. بدن طبیعی انسان ضعیف است و فاسد می‌شود، ولی بدنهای قیام کرده مسیحیان فسادناپذیر، غیرفانی، پرجلال، قوی و روحانی خواهد بود. بدنهای قیام کرده آنان هرگز فاسد نخواهد شد. به عبارت دیگر، بدنهای آنها هرگز بیمار، ضعیف و فرسوده نخواهد گشت و مرگ را تجربه نخواهد کرد. بدن قیام کرده آنها پرجلال خواهد بود. به عبارت دیگر، این بدنها در خصوصیات ذات الهی مانند محبت، قدوسیت، عدالت، اقتدار و حکمت سهیم خواهند بود. بدنهای قیام کرده آنها در قوت برمی‌خیزند، یعنی برای حیات ابدی خود قدرت دریافت می‌کنند. این بدنهای قیام کرده، روحانی خواهند بود. به عبارت دیگر، بدنهای آنها کاملاً تحت حاکمیت روح‌القدس قرار خواهد داشت و به قدرت روح احیا خواهد شد. و بلاخره این بدنهای قیام کرده، جاودانه و غیرفانی خواهد بود، که به این معنا است که آنها تا ابد در حیاتی کامل، برکات ابدی و در حضور خدا زیست خواهند کرد.

۴- سؤالاتی که مسیحیان اغلب می‌پرسند

الف) **سؤال:** آیا مسیحیان باید به مردگان احترام بگذارند؟ آیا باید به مناسبت مرگ عزیزان و اعضای خانواده‌شان مراسم یادبود برگزار کنند؟
پاسخ: در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب دوم، درس ۲۳ به این سؤال پاسخ داده شده است.

ب) **سؤال:** آیا مسیحیان در آسمان قادر به تشخیص یکدیگر خواهند بود؟
پاسخ: بر طبق لوقا ۱۶: ۹، دوستانی که مسیحیان در طول زندگی خود بر این زمین داشته‌اند، در آسمان (یعنی جایگاه ابدیشان) به آنها خوشامد خواهند گفت. این دوستان که از برکات مادی مسیحیان و خدمات آنها بهره‌مند شده‌اند، بهنگام ورود این افراد نیکوکار به آسمان از آنها استقبال خواهند کرد. بر طبق لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱، در آسمان ابراهیم و ایلعازر یکدیگر را تشخیص می‌دهند و با هم مصاحبت دارند. متی ۸: ۱۱ با استناد به تصویر یك جشن، شادی آسمان را توصیف می‌کند. بنابراین انتظار دیدن مجدد یکدیگر و داشتن مشارکتی شاد با هم در آسمان، چنانچه مشارکت با مسیح در اولویت باشد، انتظاری کاملاً کتاب‌مقدسی است.

پ) **سؤال:** اگر مسیحیان به راستی یکدیگر را در آسمان تشخیص می‌دهند، آیا برای آن عده از اعضای خانواده یا دوستان‌شان که بر این زمین مسیحی نشده‌اند ناراحت و دلتنگ نمی‌شوند؟
پاسخ: بر طبق متی ۱۲: ۴۶- ۵۰، تمامی روابط موجود بر این زمین که "در مسیح" نبوده است، در آسمان مفهوم خود را از دست خواهد داد. بنابراین این امکان وجود دارد که در آسمان، هیچ یك از اعضای خانواده و دوستان غیرمسیحی خود را به یاد نیاوریم.

پ - مراسم تدفین مسیحی

الف) غم و اندوه از دست دادن یکی از عزیزان در نتیجه مرگ.

تعلیم دهید: وقتی که یکی از عزیزان ما می‌میرد، به خاطر مرگ او غمناك شده، اشکهای زیادی می‌ریزیم. داشتن امید به قیامت مردگان به این معنا نیست که به خاطر از دست دادن کسانی که دوستشان داریم سوگوار نمی‌شویم. عیسی به خاطر مرگ دوستش ایلعازر گریست. بنابراین مسیحیان باید غم و اندوه خود را ابراز کنند.
همچنین مسیحیان باید به مسیحیان دیگری که عزیزی را در خانواده خود از دست داده‌اند و در ماتم و سوگواری بسر می‌برند، کمك کنند. آنها در قبال مسیحیان سوگوار چهار وظیفه مهم دارند:
الف) باید به آنها کمك کنند تا واقعیت مرگ عزیز خود را بپذیرند.
ب) باید به آنها کمك کنند تا درد ناشی از مرگ آن شخص را تجربه کنند.
پ) باید به آنها کمك کنند تا خود را با شرایط زندگی خود پس از مرگ شخصی که از این جهان رفته است، منطبق سازند.
ت) باید به آنها کمك کنند تا از نظر عاطفی به شخصی که از این جهان رفته است وابسته نباشند و در عوض روی روابط و اهداف جدید زندگی‌شان سرمایه‌گزاری کنند.
مرحله سوگواری ممکن است تا سالها برای یك شخص به طول بیانجامد.

۲- روش تدفین مسیحی.

تعلیم دهید:
الف) تدفین یا سوزاندن بدن شخص متوفی.
کتاب‌مقدس در رابطه با اینکه مسیحیان باید با بدن شخص متوفی چه کاری انجام دهند، دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. عمل سوزاندن و خاکستر کردن بدن موضوعی بحث‌انگیز است. برخی از مسیحیان معتقدند که با توجه به اینکه کتاب‌مقدس در مورد قیامت بدنهای مردگان صحبت می‌کند، بدن مردگان را باید دفن کرد و نباید آن را با سوزاندن و خاکستر کردن از بین برد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که از آنجا که بدن مردگان، چه در تدفین و چه با خاکستر شدن، در نهایت فاسد می‌شود و به خاك بازمی‌گردد (پیدایش ۳: ۱۹؛ مکاشفه ۲۰: ۱۳)، بنابراین مهم نیست که با بدن شخص ایماندار چگونه عمل می‌شود. آنها معتقدند خدایی که بدن انسان را از خاك یا عناصر روی این زمین خلق کرد (پیدایش ۲: ۷)، این قدرت را نیز دارد که خاکستر بدن او را پس از مرگ قیام دهد (عبرانیان ۱۱: ۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶). با وجود این برخی از مسیحیان سخت با سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان مخالفند.

ب) مراسم تدفین.
کتاب‌مقدس در مورد نحوه برگزاری مراسم تدفین یا سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان نیز دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. ولی در مورد علت وجود مرگ در جهان، مکانی که مردم پس از مرگ به آنجا می‌روند، آنچه در زمان قیامت بدنهای مردگان رخ می‌دهد، و نیز در مورد داوری نهایی بهنگام بازگشت مسیح، تعالیم صریح و روشنی دارد.
بنابراین تعلیم کتاب‌مقدس در مورد مراسم تدفین این نیست که مسیحیان چگونه باید مردگان خود را دفن کنند، بلکه این است که در حین مراسم تدفین، چه پیامهایی را باید موعظه کرد. در مراسم تدفین مسیحی، واعظین می‌توانند انجیل را موعظه کنند و حقایق مهم مبتنی بر کتاب‌مقدس را در رابطه با این واقعه برای حاضرین بازگو نمایند.

۳- موعظه مربوط به مراسم تدفین مسیحی.

مقدمه: مسیحیان در حین برگزاری مراسم تدفین می‌توانند پیامهای مختلفی را وعظ کنند. در زیر به چهار موضوع اشاره شده است که می‌توان در اینگونه موعظه ها راجع به آنها صحبت کرد:

الف) مسیحیان می‌توانند در خصوص معضل مرگ موعظه کنند.
بخوانید: رومیان ۶: ۲۳؛ عبرانیان ۹: ۲۷؛ رومیان ۵: ۸- ۱۱؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ اول قرنتیان ۴: ۷- ۱۰.
ملاحظات: چه کسی می‌تواند مشکل مرگ را حل کند؟ علم قادر به حل این مشکل نیست. هیچ مذهب یا جادویی نیز نمی‌تواند این مشکل را حل کند. کتاب‌مقدس می‌فرماید تنها خدا قادر است مشکل مرگ را حل کند. خدا اجازه داد مرگ به عنوان مجازاتی برای گناه بشر در جهان وجود داشته باشد. خدا از آنجا که عادل و مقدس است، باید گناه را توسط مرگ مجازات کند.
ولی از طرف دیگر، خدا حیاتی ابدی و غیرفانی را مهیا کرده است. او بر اساس فیض و محبتی که نسبت به مردم دارد، عیسی مسیح را به این جهان فرستاد تا جان خود را بجهت کسانی که به او ایمان می‌آورند، فدا سازد. خدا مشکل گناه و مرگ را از طریق مرگ و قیام پسرش عیسی مسیح حل کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، عادل شمرده می‌شود و از غضب خدا بهنگام داوری نهایی در امان خواهد بود.

بنابراین سختی و مرگ دیگر برای مسیحیان در حکم مجازات گناه نیست، بلکه سختی و مرگ باعث تقدیس آنها می‌شود و در حکم دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان.

ب) مسیحیان می‌توانند در رابطه با اینکه مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد، موعظه کنند.
بخوانید: عبرانیان ۷: ۲۶- ۲۷؛ ۱۰: ۱- ۴؛ رومیان ۳: ۲۱- ۲۶؛ یوحنا ۵: ۲۴.
ملاحظات: مردم در طول تاریخ همواره به سبب گناهانشان احساس شرم و تقصیر کرده‌اند و به منظور دریافت بخشش، حیوانات را برای خدا قربانی کرده‌اند. ولی این حیوانات هیچ کدام کامل نبودند و به میل و اراده خود قربانی نشده‌اند. به همین دلیل نیز قادر به نجات انسان از گناه نبوده‌اند و بنابراین انسانها پیوسته بخاطر گناهان خود احساس تقصیر کرده‌اند.
ولی عیسی مسیح بدون گناه بود و با میل و خواست قلبی به جای ما مرد. مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد. او تنها قربانی کامل جهت کفاره گناهان ما بود. مرگ عیسی مسیح قربانی کفاره‌ای است جهت گناهان تمام کسانی که به او ایمان بیاورند. خشم عادلانه خدا و مجازات او بخاطر گناه، بر روی عیسی قرار گرفته است. بنابراین ایمانداران دیگر با خشم و مجازات خدا روبرو نمی‌شوند، بلکه از سوی خدا عادل شمرده می‌شوند و در رابطه‌ای مصالحه‌آمیز با او قرار می‌گیرند. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، هیچگاه تحت محکومیت نخواهد بود و هیچوقت مرگ جسمانی را به عنوان مجازات گناه تجربه نخواهد کرد، بلکه این مرگ برای او نقطه شروع زندگی تکامل یافته‌اش با مسیح در آسمان خواهد بود.

پ) مسیحیان می‌توانند در این باره موعظه کنند که مسیح مرگ را به عنوان واقعه‌ای هولناك تجربه کرد.
بخوانید: متی ۲۷: ۴۶؛ اعمال ۲: ۲۲- ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۹، ۱۴- ۱۵.
ملاحظات: مسیح به جای مسیحیان واقعه دردناك مرگ را تجربه کرد. او به جای آنها طعم مرگ را چشید. او به طرزی هولناك طعم طرد شدن از سوی خدا را تجربه کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، از قدرت مرگ و و اسارت هولناك آن خلاصی خواهد یافت. مسیحیانی که به کتاب‌مقدس ایمان دارند هیچوقت ترس و درد و وحشت مرگ را مانند مردم دیگر تجربه نخواهند کرد، زیرا عیسی مسیح تمامی اینها را به جای آنها تجربه کرد.

ت) مسیحیان می‌توانند در مورد سرنوشت نهایی انسان موعظه کنند.
بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱- ۳؛ متی ۲۵: ۳۱- ۳۴، ۴۱، ۴۶؛ لوقا ۴: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۲.
ملاحظات: سرنوشت نهایی انسان را رابطه‌ای که او در طول مدت زندگی خود بر این زمین با عیسی مسیح دارد، تعیین میکند. پس از مرگ جسمانی، دیگر فرصتی برای توبه وجود نخواهد داشت.
بازگشت ناگهانی و غیرمنتظره مسیح و قیامت مردگان و داوری نهایی که بلافاصله پس از بازگشت او اتفاق می‌افتد، بیانگر این حقیقت هستند که انسان در حین وقوع این اتفاقات هیچ فرصتی برای توبه نخواهد داشت. آن زمان جهت توبه بسیار دیر خواهد بود. رابطه شما با عیسی مسیح و چگونگی زندگی‌تان بر روی این زمین تا قبل از مرگ فیزیکی‌تان، در داوری نهایی شما نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد داشت.
هدف از آمدن عیسی مسیح به جهان، نجات مردم بود. هنوز هم زمان، زمان "لطف و رحمت خدا" است.
ولی عیسی مسیح بهنگام بازگشت خود، دیگر مردم را نجات نخواهد داد، بلکه آنها را داوری خواهد کرد. بنابراین واعظ باید در حین مراسم تدفین، انجیل را موعظه کند و آن عده از فامیلان و دوستان شخص متوفی را که جزو حاضرین هستند و هنوز به عیسی مسیح ایمان نیاورده‌اند ترغیب کند تا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرند. ۲ قرنتیان ۶: ۲ می‌فرماید: "هان، اکنون زمان لطف خداست، هان، امروز روز نجات است." تا زمانی که هنوز زنده هستید و عیسی مسیح هنوز بازگشت نکرده است، فرصت دریافت نجات را دارید. بنابراین اگر هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اید، باید دعا کنید و او را در همین لحظه در زندگی و قلب خود بپذیرید.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " تدفین مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول تیموتاؤس ۱- ۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۸: ۱۲) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۹) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.